

جنوب آسیا در یک آزمون تاریخی میان حرکت به سوی خلافت راشدۀ ثانی و تداوم نظام‌های قبلی با چهره‌های جدید قرار دارد

مسلمانان شجاع بنگلادش با موجی از اعتراضات، شیخ حسینہ، نخست‌وزیر این کشور، را پس از یک دورہ‌ای طولانی حاکمیت ظالمانہ و وابستہ بہ استعمارگران، بہ شکلی خفت‌بار مجبور بہ فرار کردند و بہ عصر تاریک حکومت او پایان دادند.

ما این لحظہ‌ی تاریخی را بہ مسلمانان بنگلادش تبریک گفتہ و آن را بہ‌عنوان یک فرصت بزرگ و آغاز موج بیداری نہ تنها در بنگلادش بلکہ در سراسر جنوب آسیا می‌دانیم. بدون شک، تحولات سیاسی سہ سال گذشتہ در جنوب آسیا را می‌توان با «بہار عربی» مقایسہ کرد. چنانکہ فرار شرم‌آور امریکایی‌ها از افغانستان، وضعیت شکنندہ‌ی سیاسی و امنیتی پاکستان، و اکنون تغییرات در بنگلادش، این منطقہ را در یک آزمون تاریخی قرار دادہ است. در این لحظہ حساس، نکات و عبرت‌های زیر را قابل ذکر می‌دانیم:

قدرت‌های استعمارگر غربی تلاش دارند تا این فرصت بزرگ برای تغییر را، کہ آرزوی دیرینہ مردم بنگلادش و کل جنوب آسیاست، با تغییر چهرہ‌ها بہ انحراف بکشند. مشکل اصلی در حاکمیت سیستم دولت - ملت بر سرزمین‌های اسلامی است و تغییر چهرہ‌ها مشکل را حل نخواہد کرد.

چنانکہ با شروع بہار عربی، بن علی از تونس فرار کرد، اما چون نظام تغییر نکرد، هیچ بہبودی حاصل نشد. حُسنی مبارک از قدرت مصر کنار زدہ شد، اما چون نظام بہ حال خود باقی ماند، شرایط بدتر از قبل شد و همان سیستم، فردی ظالم‌تر و خائن‌تر مانند السیسی را بہ قدرت رساند. در پاکستان نیز، تغییراتی در رہبری ملکی و نظامی اتفاق افتاد، اما بہ دلیل اینکہ سیستم استعماری فاسد بہ حال خود باقی ماند؛ اوضاع سیاسی، امنیتی و اقتصادی بدتر از قبل شد. این تجربہ‌ی تغییر چهرہ‌ها بہ اشکال مختلف در افغانستان نیز تکرار شدہ است. بنابراین، مردم مسلمان بنگلادش باید از همچو اشتباهات تاریخی درس عبرت گرفته و اجازه ندهند کہ این عطش تغییر با جایگزینی چند چهرہ سیراب شود. چنانکہ استعمارگران تلاش دارند تا با حیلہ‌های مختلف بدون تغییر در نوعیت نظام، نفوذ خود را با آوردن چهرہ‌ای جدید در بنگلادش حفظ کنند.

عبرت‌های کہ از این‌گونه حوادث باید گرفت، یکی این است کہ ریشہ‌های قدرت باید در اعماق جامعہ قرار داشتہ باشد؛ وگرنہ چنین حکومت‌هایی بقا ندارند. بہ همین دلیل، اسلام تنها راه مشروعیت قدرت را، بیعت قرار دادہ است. اما حکومت بنگلادش مبتنی بر سیاست تک‌حزبی و استبدادی عمل می‌کرد، و بیشتر متکی بہ روابط با قدرت‌های خارجی بود. عبرت دیگر سیاست «اقتصادمحور» حکومت بنگلادش است کہ نمی‌توان جامعہ را تنها با اقتصاد پیش برد، آن‌هم اقتصاد سرمایہ‌داری؛ زیرا انسان‌ها علاوه بر ارزش‌های مادی، بہ ارزش‌های روحی (معنوی)، اخلاقی و انسانی نیز نیازمندند. بہ دلیل عدم همخوانی سیاست‌های حکومت بنگلادش با ارزش‌های مردم، حکومت‌داری نیز بہ فساد انجامید.

اما نکته اساسی این است کہ اگر خیزش‌های مردمی مبتنی بر یک مبدأ و فکر اساسی نباشند، بہ انحراف رفتہ و بی‌نتیجہ خواهند ماند. تجارب تاریخی ثابت کردہ است کہ مسلمانان در شکست اشغال‌گران و براندازی نظام‌های طاغوتی همواره موفق بودہ‌اند، اما در مرحلہ نظام‌سازی و دولت‌داری ناکام ماندہ‌اند. بنابراین، خواست اکثریت مسلمانان بنگلادش و در کل مسلمانان جنوب آسیا، تأسیس خلافت راشدۀ ثانی و حاکمیت اسلام است. مسلمانان بنگلادش نباید بگذارند فرصتی کہ پس از سال‌ها مبارزہ و قربانی‌های بی‌شمار بہ دست آمدہ، با شعارهای عوام‌فریبانہ دموکراتیک و بدون تغییر اساسی در نوعیت نظام از دست برود. بناء اهل قدرت در منطقہ دست بہ دست ہم دادہ و از این فرصت جهت پایہ‌گذاری دولت خلافت راشدۀ ثانی استفاده کنند، چون ہر نظام دیگری بدون خلافت، تداوم اشغال، استعمار، بحران و دیکتاتوری خواہد بود.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ [انفال: ۲۴]

ترجمہ: ای کسانی کہ ایمان آورده‌اید! دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید، هنگامی کہ شما را بہ سوی چیزی می‌خواند کہ بہ شما حیات می‌بخشد! و بدانید خدا میان انسان و قلب او حایل می‌شود و ہمہ شما (در قیامت) نزد او گردآوری می‌شوید!

دفتر مطبوعاتی حزب التحریر - ولایه افغانستان